

فرایند حرکت تکواژ به دلایل صرفی - واجی: بررسی نمونه‌ای در کردی کلهری

مهدی فتاحی^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

(از ص ۱۲۱ تا ص ۱۴۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۶/۱۶

چکیده

در طبقه‌بندی ینسن (۱۹۹۰) از فرایندهای صرفی - واجی در زبان‌های مختلف، شاید کمترین بسامد وقوع این فرایندها در میان زبان‌ها، مربوط به فرایند حرکت تکواژ به دلیل ملاحظات صرفی - واجی است که باعث تغییر ترتیب معمول تکواژها در صورت واژه می‌شود. در این مقاله، هدف معرفی نمونه‌ای از این فرایند نادر در کردی کلهری است. این پدیده در افعال پسوندی رخ می‌دهد که در ساختمان آنها، پی - بست ضمیری سوم شخص مفرد به کار رفته باشد. به منظور مطالعه این پدیده، تعداد سی فعل پسوندی مورد بررسی قرار گرفته که در این مقاله از چهارده نمونه از آنها استفاده شده است. پس از مشاهده رفتار پی بست ضمیری سوم شخص مفرد /-I/ در فعل‌های پسوندی مشخص شد که هرگاه ستاک فعل در زمان گذشته که مختوم به واج /i/ است، با شناسه سوم شخص مفرد، که تکواژ تهی است، بیاید، و در ساختمان فعل از پی بست ضمیری سوم شخص مفرد استفاده شود، این پی بست از جایگاه معمول خود، که پیش از پسوند فعلی /-I/ است، به پس از آن منتقل می‌شود. دلیل این امر نیز التقای واکه‌های افراشته و سبک بودن پی بست ضمیری سوم شخص مفرد از نظر واجی است. پس از شکل‌گیری آرایش جدید تکواژها به این شکل، سایر افعال پسوندی که در ساختمان خود، پی بست ضمیری سوم شخص مفرد به کار می‌برند، به قیاس، آرایش جدید تکواژها را نیز پذیرفتند.

واژه‌های کلیدی: کردی کلهری، صرفی - واجی (واژ- واجی)، فعل پسوندی، ستاک، پی بست ضمیری.

mehdi.fattahi@ut.ac.ir

^۱رایانامه نویسنده مسئول مقاله:

۱- مقدمه

زبان کردی یکی از زبان‌های ایرانی است و به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. یکی از گویش‌های اصلی کردی جنوبی، گویش کلهری است (کماندار فتاح، ۲۰۰۰: ۵۵). تحقیق حاضر به مطالعه یکی از فرایندهای واژ-واجی کمیاب در این گویش می‌پردازد. گویشوران کردی کلهری در ایران در شهرهایی چون کرمانشاه، اسلام‌آبادغرب، گیلان غرب، سرپل ذهاب و ایوان غرب، و در عراق در شهرهای خانقین و مندلی ساکن هستند. در این مقاله سعی بر آن است که به معرفی فرایندی در کردی کلهری پرداخته شود که بنا بر آن، ترتیب معمول تکواژها در ساختمان فعل، در برخی شرایط، بر هم زده می‌شود. آغاز کار و توجه به این موضوع از آنجا پیش آمد که در طی مطالعه و بررسی داده‌هایی که از کردی کلهری جمع‌آوری شده بود، مشخص شد که در برخی از صورت-های فعل‌های پسوندی متعدی که در ساختمان آنها از پی‌بست ضمیری استفاده شده، تناوبی دیده می‌شود، که ناشی از ترتیب متفاوت تکواژهاست. داده‌های به دست آمده از این گویش، که تحلیل آنها در بخش‌های بعدی خواهد آمد، نشان می‌دهند که اگر قرار باشد که در ساختمان این گونه از افعال از پی‌بست‌های ضمیری استفاده شود، ترتیب معمول تکواژها چنین خواهد بود (از چپ به راست):^۱

	پسوند + پی‌بست ضمیری + شناسه + ستاک فعل			
(۱)	hawerd	-em	-ad	-ow
	پس	پی.ض.د.م. ش.ا.م	آوردن گ	برت گرداندم (بازت آوردم)
(۲)	da	-n	-i:	-ow
	پس	پی.ض.س.م. ش.س.ج	دادن ج	پس‌اش می‌دهند
(۳)	san	-im	-i:an	-ow
	پس	پی.ض.س.ج. ش.ا.ج	ستاندن گ	بازش ستاندیم

^۱ این نمونه‌های اندک و توضیحات اجمالی‌ای که پیرو آنها می‌آید، صرفاً جهت معرفی اجمالی بحث مورد نظر و سوال تحقیق است و نمونه‌های بیشتر و تحلیل‌های مفصل‌تر به بخش تحلیل داده‌ها موقوف خواهد شد. همچنین معنای علائم اختصاری در بخش روش تحقیق آورده شده است.

پدیده‌ای که نگارندگان را به فکر در ماهیت آن وادار کرده، این است که در صورت-های فعلی‌ای که در ساختمان آن‌ها، از پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد استفاده شده، مانند مثال (۲)، علاوه بر ترتیب معمول، صورتی به کار می‌رود که در آن پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد در آخر و پس از پسوند فعلی ظاهر می‌شود. مثلاً در داده‌های کردی کلهری مشاهده شده که علاوه بر صورت شماره (۲)، صورت [da-n-ow-i:] نیز به کار می‌رود و دارای همان معناست. نکته جالب توجه این است که این تناوب در ترتیب تنها در مورد افعال پسوندی‌ای اتفاق می‌افتد که در آن‌ها از پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد استفاده شده باشد، و مثلاً در صورت فعلی شماره (۱) یا (۳) که در ساختمان آن‌ها از پی‌بست‌های ضمیری غیر از سوم شخص مفرد به کار رفته، حرکت پی‌بست ضمیری به جایگاه پس از پسوند مجاز نیست (صورت‌های *hawerd-em-ow-ad و *san-im-ow-i:an قابل قبول نیستند). سؤال تحقیق این است که چرا در صورت‌های افعال پسوندی که در آن‌ها، پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد به کار رفته، چنین تناوبی در ترتیب تکواژها دیده می‌شود و اینکه چه عاملی باعث شروع این تناوب شده است. برای پاسخ به این سؤال فرضیه تحقیق این است شرایطی (آوایی) وجود دارد که در آن تنها صورت متناوب، یعنی همان صورتی که پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد در آن پس از پسوند فعلی ظاهر می‌شود، پذیرفتنی است و ترتیب معمول غیرقابل قبول است و همین عامل باعث ظهور و معرفی ترتیبی جدید شده است و صورت‌های متناوب در شرایط دیگر به قیاس از آن ساخته شده‌اند.

۲- مطالعات پیشین

در تقسیم‌بندی کردی به گونه‌های آن، نظرات مختلفی ارائه شده است. محققانی چون مکنزی^۱ (۱۹۶۲)، نیز^۲ (۱۹۷۶)، حسن‌پور (۱۹۸۹) و ایزدی (۱۹۹۲) به هنگام سخن گفتن از کردی، آن را در قالب چهار گروه شمالی، مرکزی، جنوبی و اورامی مطرح می‌کنند. در این میان مکنزی (۱۹۶۲) معتقد است که اورامی را نمی‌توان در ذیل گروه کردی قرار داد. اما همه در قائل شدن به سه گروه اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی اتفاق نظر دارند. اگرچه در زمینه مطالعات زبان‌شناختی بر روی کردی کلهری پژوهشگرانی

^۱. D. N. Mackenzie

^۲. J. Nebez

چون مافی (۱۳۷۴)، شیرزادی تبار (۱۳۷۵)، مرادی (۱۳۷۹)، سلیمانی مقدم (۱۳۷۹) و محمدی (۱۳۸۶) و در گویش‌های نزدیک به کلهری محققانی همچون قیطوری (۱۹۹۲) در کردی ایلامی و اسفندیاری (۱۳۷۴) در کردی کلیایی پایان‌نامه‌های خود را ارائه کردند، لکن هنوز در زمینه فرایندهای صرفی- واجی و شناسایی دقیق تکواژها و تکواژ گونه‌ها در کردی، هنوز تحقیقی صورت نگرفته است. از مطالعاتی که بخشی از آن‌ها به صرف- واج‌شناسی در کردی اختصاص داده شده، می‌توان به پژوهش مک‌کاروس^۱ (۱۹۵۸) اشاره کرد. مک‌کاروس (۱۹۵۸: ۴۰) بخش صرف- واج‌شناسی را ذیل بخش واج‌شناسی کردی قرار داده است. وی این بخش از تحقیقش را به دو بخش واکه‌ها و همخوان‌ها تقسیم می‌کند. در بخش مربوط به واکه‌ها از فرایندهایی سخن می‌گوید که در برخورد انواع واکه‌ها در مرز تکواژها، اعمال شده و باعث تغییر صورت تکواژها می‌شود. وی ابتدا به فرایندهای غیر حذف در واکه‌ها اشاره می‌کند و پس از آن فرایند حذف را در واکه‌های تکواژها مورد بررسی قرار می‌دهد. در نیمه دوم بخش صرف- واج‌شناسی، مک‌کاروس (۱۹۵۸) فرایندهای مسلط بر همخوان‌ها در تکواژها را به سه دسته همگونی، درج و حذف همخوان تقسیم می‌کند. در هیچ یک از منابع یاد شده، از فرایند حرکت تکواژ یا تغییر ترتیب تکواژها، سخنی به میان نیامده است.

به طور کلی در زبان‌های مختلف جهان، اگرچه به ندرت، اما گاهی شرایط آوایی باعث می‌شود که عناصر به ترتیب اصلی خود بروز آوایی پیدا نکنند. گاه ترتیب اصلی عناصر به واسطه قواعد نحوی است و گاه ترتیب به واسطه به هم رسیدن تکواژها و در سطح ساختوازی رخ می‌دهد. در این شرایط ممکن است زبان زنجیره به دست آمده را به لحاظ آوایی مطلوب نبیند. در این حال، یکی از راهکارهای اصلاح آن تغییر ترتیب عناصر است. به عنوان نمونه در جملات پرسشی در زبان رومانیایی،^۲ کلمات پرسشی به لحاظ نحوی دارای مشخصه قوی هستند و لازم است که به جایگاه [Spec, IP] و سمت ابتدای جمله، حرکت کنند، اما همان‌طور که در مثال (۴) مشهود است، این حرکت به جمله غیردستوری منجر شده است (هورنشتین و سایرین: ۲۰۰۴).

^۱ E. N. McCarus

^۲ Romanian

(۴) a. *Ce ce precede?

پیشی گرفتن چه چه

b. Ce precede ce?

چه پیشی گرفتن چه

«چه از چه پیشی می‌گیرد؟»

بوشکویچ (۲۰۰۲) معتقد است که پذیرفته نبودن مورد *a-4* به دلیل مسائل نحوی نیست، بلکه ناشی از محدودیت‌هایی در بخش واج‌شناختی این زبان است که مانع از حضور دو *ce* کنار هم می‌شود (بوشکویچ، ۲۰۰۲؛ به نقل از هورنشتین و سایرین، ۲۰۰۴). اسپنسر^۱ (۲۰۰۰) نیز نمونه‌ای از زبان ناواجو،^۲ که زبانی قالبی^۳ است، ارائه می‌دهد که در آن ترتیب اصلی تکواژها در یک واژه بنا به دلایل آوایی به هم می‌خورد. در این زبان تکواژها در دسته‌های مختلف قرار گرفته و به ترتیب مشخصی کنار هم قرار می‌گیرند. در نمونه (۵) دسته‌های مختلف با اعداد رومی مشخص شده است.

(۵) a. I IV VIa VII IX X

*ba -'a -di -ni -θ -a'

b. badi'ni'a

در نمونه (۵-a) ترتیب به شکل اصلی ظاهر شده است، اما این ترتیب به خاطر به هم رسیدن *ba* در تکواژ دسته I و *'a* در تکواژ دسته IV است و احتمالاً به دلیل اینکه دو واکه افتاده پسین به هم برخورد کرده‌اند، این زبان چنین زنجیره‌ای را نمی‌پذیرد. قلب و جابجایی دو تکواژ IV و VIa و سپس حذف واکه /a/ پس از واکه و پیش از /n/ فرایندهایی است که در این واژه رخ داده و حاصل صورت (۵-b) شده است (اسپنسر، ۲۰۰۰: ۲۱۱). در پژوهش حاضر، همانند نمونه‌هایی که ارائه شد، اگر ترتیب معمول تکواژها اعمال شود، حاصل زنجیره‌ای خواهد شد که در کردی کلهری پذیرفتنی نیست،

¹.Spencer

².Navajo

³.templative

و این زبان به شکل مشابهی جایجایی تکواژها را به عنوان راهکاری برای رفع این مشکل برمی‌گزیند.

۳- روش تحقیق

از آن‌جا که پدیده حرکت تکواژ بنا به ملاحظات صرفی-واجی در ساختمان افعال پسوندی رخ می‌دهد، بیش از سی فعل پسوندی در کردی، به همراه صیغگان این افعال در شخص و شمار مختلف و با استفاده از پی‌بست‌های ضمیری متفاوت، مورد مطالعه قرار گرفت و وضعیت جایگاه پی‌بست‌های ضمیری و خصوصاً پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد، بررسی شد. در اینجا به دلیل محدودیت حجم مقاله و نیز معطوف بودن توجه به بحث‌های تحلیلی و نتایج حاصل از آن، در مجموع از چهارده فعل نام برده شده است. برای معرفی جایگاه معمول تکواژها در افعال کردی، از انواع مختلف این نمونه‌ها استفاده شده است. در معرفی جایگاه‌ها، توجه به زمان خاصی از فعل و محدود کردن فعل به یک زمان خاص مدنظر نیست. اما از آن‌جا که پدیده حرکت تکواژ به ستاک گذشته مختوم به /i/ مربوط می‌شود، در بخش پایانی مقاله از ستاک‌های فعلی گذشته مختوم به /-i/ که ممکن است /i/ پسوند گذشته‌ساز یا جز لاینفک ستاک باشد- استفاده شده است. پس از اینکه جایگاه هر تکواژ در فعل پسوندی مشخص شد، از ستاک گذشته مختوم به /i/ یک نمونه با شش شخص به همراه پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد، آورده شده است، و جایگاه متفاوت این پی‌بست در صورت سوم شخص مفرد مشخص شده و مورد تحلیل قرار گرفته و دلایل تغییر جایگاه پی‌بست سوم شخص مفرد مورد بحث قرار می‌گیرد. در معرفی نمونه‌ها در این مقاله از علائم اختصاری خاصی، که عمدتاً حاصل سرواژه‌سازی مقوله‌های دستوری است، استفاده شده است. این علائم و تعابیر آن‌ها به این قرار هستند: ش: شناسه؛ ا: اول شخص؛ د: دوم شخص؛ س: سوم شخص؛ ح: حال؛ گ: گذشته؛ پس: پسوند؛ پی: پی‌بست؛ ض: ضمیری؛ می: میانجی؛ م: مفرد؛ ج: جمع. همچنین معنای تکواژهای قاموسی (واژگانی) به صورت ایرانیک زیر هر تکواژ ذکر شده است.

۴- تحلیل داده‌ها: معرفی فرایند حرکت تکواژ

یکی از نادرترین فرایندهای صرفی-واجی که باعث تغییر در صورت زیرساختی می‌شود، فرایند حرکت یک تکواژ یا تغییر ترتیب تکواژها با انگیزه‌های صرفی-واجی است. یمنسن^۱ (۱۹۹۰) در معرفی این فرایند، بنا بر تحقیق مریفیلد و همکاران^۲ (۱۹۶۷)، از زبان چوکتاو^۳ مثال می‌آورد و از ارائه نمونه از زبان‌های شناخته‌شده باز می‌ماند. تا جایی که نگارنده سراغ دارد، در میان زبان‌های ایرانی نیز این فرایند دیده نشده است. این فرایند در اتصال پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد به افعال پسوندی در کردی کلهری اعمال می‌شود. به منظور تحلیل این فرایند، نیاز است نخست از فعل پسوندی و ترتیب معمول تکواژها در ساختمان آن، که به طور مختصر در بخش مقدمه به آن پرداخته شد، صحبت شود.

۴-۱- فعل پسوندی در کردی کلهری

تنها پسوند فعلی‌ای که در کردی کلهری وجود دارد، /-OW/ است. این پسوند تقریباً همان کاری را انجام می‌دهد که در فارسی بر عهده پیشوند فعلی «باز» در افعالی چون «بازخواندن»، «بازایستادن»، «بازگشتن»، «بازآمدن»، «بازگفتن» و ... است. در مثال‌های شماره (۶) تا (۱۷)، نمونه‌هایی از افعال ساده را می‌بینید. هدف از ارائه این نمونه‌ها این است که نخست ساختمان افعال ساده مشخص شود، و دوم این که معنای این افعال بدون افزودن پسوند فعلی، و پس از افزودن آن با هم مقایسه شوند، تا تغییر معنایی‌ای که این پسوند به وجود می‌آورد مشخص گردد.

به همین دلیل در بخش پس از آن در نمونه‌های (۱۸) تا (۲۹)، به همین صورت-های فعلی، پسوند اضافه می‌شود تا تغییری که این پسوند پس از افزودن شدن ایجاد می‌کند، مشخص شود.

در این نمونه‌ها صیغه‌های خاصی مد نظر نیست و هدف صرفاً معرفی ساختمان افعال ساده و پسوندی است. ستاک‌های فعلی در هر یک از مجموعه داده‌ها ممکن است حال یا گذشته باشند. زمان ستاک‌های فعلی برای بحث حاضر اهمیتی ندارد.

^۱ Jensen.

^۲ Merrifield et al.

^۳ Chocktaw

wat -em	(۷)	wes -i:d	(۶)
ش.ا. م گفتن گ گفتم.		ش.س. م ایستادن ح می‌ایستد.	
xwan -em	(۹)	hat -em	(۸)
ش.ا. م خواندن ح می‌خوانم.		ش.ا. م آمدن گ آمدم.	
hawerd -∅	(۱۱)	di -m	(۱۰)
ش.س. م آوردن گ آورد.		ش.ا. م دیدن گ دیدم.	
berd -in	(۱۳)	sin -id	(۱۲)
ش.د.ج بردن گ بردید.		ش.د.م ستاندن ح می‌ستانی.	
da -n	(۱۵)	tʃi -n	(۱۴)
ش.س.ج دادن ح می‌دهند.		ش.س.ج رفتن گ رفتند.	
fard -im	(۱۷)	furd -im	(۱۶)
ش.ا.ج پنهان کردن گ پنهان کردیم.		ش.ا.ج شستن گ شستیم.	

در زیر، همین افعال با پسوند فعلی همراه شده‌اند تا ضمن اینکه جایگاه هر تکواژ معلوم می‌شود، تفاوت معنایی‌ای را که به واسطهٔ افزوده شدن این پسوند به وجود آمده، مشخص گردد.

در این نمونه‌ها پی‌بست‌های ضمیری در داخل پرائنتز آورده شده‌اند^۱، چرا که فعل-های پسوندی به آن‌ها نیاز ندارند و بدون آن‌ها صحیح هستند، و در اینجا تنها هدف معرفی جایگاه آن‌ها در ساختمان فعل پسوندی است. همچنین تنها افعال متعددی می‌توانند در ساختمان خود پی‌بست ضمیری داشته باشند، و همان‌طور که از نمونه‌ها پیداست، فعل‌های لازم فاقد پی‌بست‌های ضمیری در داخل پرائنتز هستند.

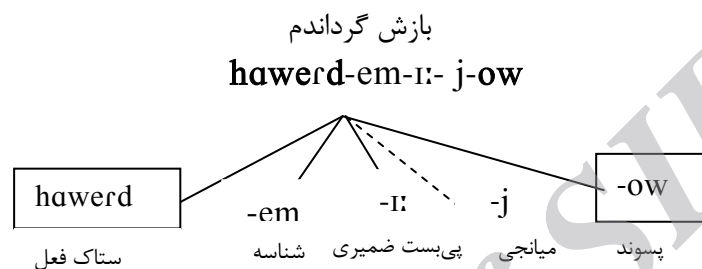
^۱ غلت میانجی [j] نیز که در سطح آوایی درج می‌شود، در داخل پرائنتز آورده شده است.

wat -em (-i: -j) -ow (۱۹)	wes -i:d -ow (۱۸)
پس می پی.ض.س.م.ش.ا. م گفتن گ بازگوی(اش) کردم.	پس ش.س. م / ایستادن ح باز می ایستد.
xwan -em (-i:jan) -ow (۲۱)	hat -em -ow (۲۰)
پس پی.س.ج.ش.ا. م خواندن ح باز(شان) می خوانم.	پس ش.ا. م آمدن گ «باز آمدم. / باز گشتم.»
hawerd ø (-adan) -ow (۲۳)	di -m (-ad) -ow (۲۲)
پس پی.ض.د.م.ش.س.م آوردن گ باز(تان) گرداند.	پس پی.ض.د.م.ش.ا.م دیدن گ پیدا(یت) کردم.
berd-in (-am) -ow (۲۵)	sin -id (-i: -j) -ow (۲۴)
پس پی.ض.ا.م.ش.د.ج بردن گ باز (م) گردانید/ باز (م) بردید.	پس می پی.ض.س.م.ش.د.م ستاندن ح باز(ش) می ستانی.
da -n (-i:jan) -ow (۲۷)	tji -n -ow (۲۶)
پس پی.ض.س.ج.س.س.ج دادن ح پس(شان) می دهند.	پس ش.س.ج رفتن گ باز گشتند/ باز رفتند.
fard -im (-adan) -ow (۲۹)	furd -im (-i:jan) -ow (۲۸)
پس پی.ض.د.م.ش.ا.ج پنهان کردن گ پنهان(تان) کردیم.	پس پی.ض.س.ج.ش.ا.ج شستن گ دوباره شستیم(شان).

ملاحظه می کنید که این پسوند باعث تغییر معنی فعل می شود و از این جهت پسوندی اشتقاقی محسوب می شود. این پسوند به فعل «دیدن» افزوده می شود، و از آن فعل «پیدا کردن» را می سازد، به فعل «آوردن» افزوده می شود و معنای «باز گرداندن» می دهد. حال نیاز است که توجه به سمت جایگاه این پسوند در ساختمان فعل معطوف شود. در نمونه های (۱۸) تا (۲۹)، پسوند اشتقاقی [-ow] در انتهای فعل دیده می شود و موجب تغییر معنای فعل شده است. حتی در صورتی که در ساختمان فعل، پی بست ضمیری به کار رود، باز هم پسوند پس از آن ظاهر می شود. ستاک فعلی و پسوند با هم در ارتباط بوده و در عین حال از هم جدا می شوند و شناسه و پی بست را احاطه می کنند. برای روشن تر شدن موضوع، به شکل (۳۰) که به معنی «بازش گرداندم» است و به شکل ملموس تقطیع شده و در آن همراهی ستاک در اول و پسوند در آخر نشان داده

شده است، توجه کنید (غلت میانجی، به دلیل اینکه در ساختمان فعل پسوندی، تکواژ زیرساختی محسوب نمی‌شود، زیر خط نقطه‌چین نمایش داده شده است).

(۳۰) ساختمان کلی فعل پسوندی در کردی کلهری



۴-۲- معرفی فرایند حرکت تکواژ

نمونه‌های ارائه شده بخش قبل ساختمان فعل پسوندی و جایگاه معمول پی‌بست ضمیری را آشکار ساخت. در این بخش از تحقیق به سراغ موضوع مورد بحث این مقاله می‌رویم. همان‌طور که در بخش مقدمه نیز اشاره شد، در ساختمان افعال پسوندی که در آن‌ها پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد /-i:/ به کار برده شده، ترتیب دیگری از تکواژها قابل قبول است. در نمونه‌های (۱۹)، (۲۴) و (۳۰) از این پی‌بست استفاده شده است، و همان‌طور که مشخص شد، جایگاه این پی‌بست مانند سایر پی‌بست‌های ضمیری پیش از پسوند فعلی است، اما این نمونه‌ها را می‌توان به ترتیب دیگری نیز مشاهده کرد که بر طبق آن‌ها، پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد پس از پسوند قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر علاوه بر صورت‌های (۱۹)، (۲۴) و (۳۰)، به ترتیب صورت‌های (۳۱)، (۳۲) و (۳۳) نیز قابل قبول است.

sin -id -ow -i: (۳۲) wat -em -ow -i: (۳۱)

پی.ض.س.م. پس ش.ا.م گفتن گ بازگویی کردم.
 پی.ض.س.م. پس ش.د.م ستاندن ح بازش می‌ستانی.

hawerd-em -ow -i: (۳۳)

پی.ض.س.م. پس ش.ا.م آوردن گ
 بازش گرداندم/ پس‌اش آوردم.

در فرضیه تحقیق عنوان شد که به نظر می‌رسد این تناوب در ترتیب از شرایطی نشأت می‌گیرد که در آن تنها ترتیب جدید قابل قبول است. همان‌طور که از تحلیل داده‌های ارائه شده مشخص شد، ترتیب معمول، آن ترتیبی است که در آن پی‌بست ضمیری پیش از پسوند باشد و نه پس از آن. پس اگر قرار باشد، برای تناوب در ترتیب تکواژها سیر تحولی را فرض کنیم، باید بپذیریم که ابتدا این ترتیب وجود داشته و بعداً ترتیب جدید (پی‌بست پس از پسوند) به وجود آمده است. اما به واقع این ترتیب چگونه به وجود آمده است؟ بنا بر فرضیه تحقیق باید به دنبال شرایطی /وایی گشت که بنا بر آن، ترتیب معمول قابل تحمل نیست. در واقع با یافتن این شرایط منشاء تغییر، و معرفی ترتیب جدید را پیدا کرده‌ایم. در کردی کلهری، ستاک گذشته فعل به دو شکل ساخته می‌شود. شکل اول این است که به ستاک حال یا ریشه فعل، پسوند گذشته‌ساز افزوده شود و حالت دوم این است که فعل خود، ستاک گذشته مجزا داشته باشد. یکی از پسوندهای گذشته‌ساز در کردی که بسیار زیابست، پسوند /-i/ است که به ریشه فعل افزوده شده و از آن ستاک گذشته را می‌سازد.

ریشه‌های فعلی‌ای چون saz (ساختن)، kan (کندن)، der (دریدن)، xan (خندیدن)، xwan (خواندن) و ... از جمله ریشه‌های فعلی‌ای هستند که با این پسوند، ستاک گذشته از آن‌ها ساخته می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که در آن‌ها ضمن استفاده از پسوند گذشته‌ساز /-i/، شرایط آوایی‌ای معرفی می‌شود که ترتیب معمول تکواژها را بر هم می‌زند و فرایندی صرفی-واجی باعث حرکت پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد می‌شود. مثال‌های شماره (۳۴) تا (۳۹) صرف فعل «بازسازی کردن» در شش شخص، در زمان گذشته را نشان می‌دهند.

در این فعل، افزوده شدن پسوند باعث شده که از فعل saz (ساختن)، «بازسازی کردن» به دست آید. در ساختمان این فعل، پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد نیز به کار رفته است و سعی بر آن است که تا آنجا که ممکن است از ترتیب جدید (پی‌بست پس از پسوند) استفاده نشود. به جایگاه هر تکواژ در هر صورت فعلی دقت کنید.

(۳۴) -j -ow -i -m -i: saz (۳۵) -j -ow -i: -men -i saz

پس می‌پی‌س. م‌شام گ ساختن پس می‌پی‌س م‌ش.ا.ج گ ساختن
بازسازی‌اش کردم. بازسازی‌اش کردیم.

sdz -i -n -I: -j -ow (۳۷) sdz -i -d -I: -j -ow (۳۶)

پس می پی.س.م شدم گ ساختن پس می پی.س.م ش.د.ج گ ساختن
بازسازی‌اش کردی. بازسازی‌اش کردید.

sdz -i -n -I: -j -ow (۳۹) sdz -i -∅ j ow -I: (۳۸)

پی.س.م پی.س.م ش.س.م گ ساختن پس می پی.س.م ش.س.ج گ ساختن
بازسازی‌اش کرد. بازسازی‌اش کردند.

با قدری تامل در نمونه‌های فوق، می‌توان ترتیب متفاوت تکواژها را در صورت سوم شخص مفرد مشاهده کرد. در همهٔ شخص‌ها ترتیب تکواژها به این شکل بود که ابتدا ستاک فعلی، سپس پسوند گذشته‌ساز، پس از آن شناسه و بعد از شناسه پی‌بست و در آخر پسوند اشتقاقی فعل ظاهر می‌شد، اما در صورت سوم شخص مفرد، این ترتیب به هم ریخته است. این بدان معناست که ترتیب معمول (پی‌بست پیش از پسوند) در این صورت مجاز نبوده است. در این صورت جایگاه تکواژها همان جایگاه در صورت‌های فعلی دیگر است با این تفاوت که پی‌بست ضمیری از جای معمول خود یعنی جایگاه پس از شناسه به پس از پسوند فعلی منتقل شده است. اما چرا؟ برای توجیه این تغییر جایگاه، باید دید که اگر ترتیب در صورت سوم شخص مفرد نیز مانند ترتیب در سایر صورت‌ها می‌بود، چه اتفاقی رخ می‌داد، و چرا این ترتیب نمی‌تواند به سطح روساختی برسد و حتماً باید در فرایند اشتقاق این صورت از زیرساخت تا روساخت، تغییر در ترتیب رخ دهد. بدین منظور، در زیر مثالی از صورت فعلی سوم شخص مفرد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در آن تکواژها به ترتیب معمول سایر صورت‌های فعلی مرتب شده‌اند.

* sdz -i -∅ -I: -j -ow (۴۰)

پس می پی.س.م ش.س.م گ ساختن
بازسازی‌اش کرد.

همان‌طور که در مثال (۴۰) ملاحظه می‌شود، اگر ترتیب معمول تکواژها در این صورت اعمال شود، [-i] گذشته‌ساز به [-I:] پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد،

برخورد می‌کند، چرا که تنها تکواژی که بین آن‌ها قرار دارد، شناسهٔ سوم شخص مفرد است که صفر است و تظاهر آوایی ندارد. حضور دو واکهٔ افراشته پشت سر هم، کار را در تولید این صورت سخت می‌کند، به ویژه که پس از [-I:] نیز پسوند فعلی با واکه آغاز می‌شود و به ناچار بین دو تکواژ پی‌بست ضمیری و پسوند فعلی، یک غلت درج شده است. این شرایط صرفاً برای این فعل نیست، بلکه در مورد صیغهٔ سوم شخص هر فعلی که ستاک آن به [-i] ختم شود صادق است؛ چه این واکه پسوند گذشته‌ساز باشد و چه جزئی از ستاک گذشته.

(۴۱) * kar -i -∅ -I: -j -ow ← kar -i -j -ow -I:
 پس می‌پی‌س. م ش‌س م گ کاشتن پس می‌گ کاشتن
 دوباره کاشت‌اش.

(۴۲) * ber -i -∅ -I: -j -ow ← ber -i -j -ow -I:
 پس می‌پی‌س. م ش‌س م گ بریدن پس می‌گ بریدن
 بریدش.

(۴۳) * di -∅ -I: -j -ow ← di -j -ow -I:
 پس می‌پی‌س. م ش‌س م دیدن گ پس می‌دیدن گ
 پیدایش کرد.

حال فرض این است که اگر حرکت تکواژ عمل نمی‌کرد، چه اتفاقی رخ می‌داد و چرا تنها راه حل حرکت تکواژ است؟ در این شرایط یا باید یکی از واکه‌ها به غلت تبدیل شوند، یا باید بین‌شان یک همخوان میانجی درج شود، یا یکی از دو واکه حذف شود. دلیل اصلی انجام شدن این راهکارها را بهتر است که در نظریه‌ای محدودیت بنیاد همچون نظریهٔ بهینگی جست؛ و چرایی آن در این مقال نمی‌گنجد، تنها می‌توان گفت که شاید قابل اعمال نبودن این راهکارها را محدودیت‌های آوایی خاص حاکم بر این زبان، و عدم وجود سرنخ‌های^۱ آوایی کافی دانست. ظاهراً در کردی شرط غلت‌سازی، این است که واکهٔ اول غیرافراشته باشد (فتاحی، ۱۳۹۱)؛ و توالی یک واکهٔ افراشتهٔ پیشین و غلت [j] در نمونه‌ها دیده نشده و قابل قبول نیست. در صورت درج نیز به نظر می‌رسد توالی واکه‌های پیش و پس از همخوان درج شده شرایطی را فراهم می‌کنند که تولید و همچنین ادراک به دلیل کم بودن سرنخ‌های آوایی دشوار شود. همچنین اگر هر یک از

^۱.cue

این واکه‌های افزاشته پیشین حذف شوند، عملاً یک تکواژ حذف می‌شود و ظاهراً در این زبان عدم حذف تکواژ بر حذف واکه ارجعیت دارد. حال که هیچ یک از این راهکارها در اشتقاق صورت روساختی عملی نیستند، فرایند صرفی- واجی حرکت یا تغییر ترتیب وارد عمل می‌شود و تکواژ پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد را از جای پیش‌فرض خود به انتهای واژه یعنی پس از پسوند جابجا می‌کند.

برای اینکه ثابت شود که عامل این حرکت شرایط آوایی است در نمونه‌های (۴۴) تا (۴۹) فعل «بازگرداندن/ پس بردن» در شش شخص صرف شده است و درست مانند فعل «بازسازی کردن» سعی بر آن است تا جایی که ممکن است، ترتیب معمول (پی-بست پیش از پسوند) به کار رود.

berd -imen -I: -j -ow (۴۵)	berd -em -I: -j -ow (۴۴)
پس می پی‌س م ش.ا. ج بردن گ پس‌اش بردیم.	پس می پی‌س م ش.ام بردن گ پس‌اش بردم.
berd -in -I: -j -ow (۴۷)	berd -id -I: -j -ow (۴۶)
پس می پی‌س م ش.د. ج بردن گ پس‌اش بردید.	پس می پی‌س م ش.دم بردن گ پس‌اش بردی.
berd -en -I: -j -ow (۴۹)	berd -∅ -I: -j -ow (۴۸)
پس می پی‌س م ش.س. ج بردن گ پس‌اش بردند.	پس می پی‌س م ش.س م بردن گ پس‌اش برد.

همان‌طور که از نمونه‌های فوق پیداست، صورت‌های فعلی در همه شخص‌ها با حفظ ترتیب معمول (پی‌بست پیش از پسوند) پذیرفتنی است. در نمونه (۴۸) برخلاف نمونه (۳۸) ترتیب معمول مجاز است و نیازی به جابه‌جایی تکواژ نیست. تفاوت این دو نمونه در این است که در صورت (۳۸) اگر ترتیب معمول حفظ می‌شد، صورت غیرقابل قبول (۴۰) به دست داده می‌شد و اساساً التقای واکه‌ها و پذیرفته نبودن راه حل‌های دیگر باعث می‌شد که پی‌بست از جای همیشگی خود به سمت انتهای واژه حرکت کند. اما در نمونه (۴۸) التقای واکه‌ها صورت نگرفته است و صورت حاصل با نظام آوایی کردی مغایرتی ندارد و پذیرفتنی است. البته اگر در این نمونه نیز پی‌بست را به انتهای صورت فعلی و پس از پسوند حرکت دهیم، صورت حاصل بازهم پذیرفتنی است. دلیل این امر نیز، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، این است که پس از پیدایش ترتیب جدید (پی-

بست پس از پسوند) که اجباراً به دلایلی که اشاره شد به وجود آمد، این ترتیب نیز در مورد همه فعل‌های پسوندی که در ساختمان خود از پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد استفاده می‌کنند، مورد استفاده قرار گرفته است.

نکته مهم دیگر این است که اگر در ساختمان فعل «بازسازی کردن» و هر فعلی که با پسوند /-i/ ستاک گذشته خود را می‌سازد، به جای پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد، از پی‌بست ضمیری سوم شخص جمع استفاده می‌شد، باز التقای واکه‌ها اتفاق می‌افتاد، اما این عامل باعث حرکت پی‌بست به انتهای واژه نمی‌شود.

(۵۰-الف) /saz -i -∅ -i:an -ow/

پس پی‌س. ج ش س م گ ساختن

بازسازی‌شان کرد.

(۵۰-ب) [saz -i -∅ -i:jan -ow]

پس پی‌س. ج می ش س م گ ساختن

بازسازی‌شان کرد.

نمونه (۵۰-الف) تکواژها را در سطح زیرساختی و نمونه (۵۰-ب) صورت روساختی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از این نمونه‌ها پیداست، حضور پی‌بست ضمیری در جایگاه همیشگی خود باعث نادستوری بودن صورت فعلی نشده است و در عوض حرکت دادن آن به انتهای واژه منجر به صورت غیردستوری می‌شود. در اشتقاق این صورت از زیرساخت تا روساخت به نظر می‌رسد که فرایند درج انسداد چاکنایی به حرکت تکواژ ترجیح داده شده است.^۱ بررسی تفاوت نمونه (۵۰) با نمونه (۴۰) به روشن‌تر شدن علت حرکت پی‌بست سوم شخص مفرد کمک می‌کند. به نظر می‌رسد بین این دو صورت دو تفاوت عمده وجود داشته باشد. دلیل نخست این است که در نمونه‌های (۵۰)، پی‌بست ضمیری مختوم به همخوان است و این خود مانع از درج غلت [j] بین پی‌بست و پسوند شده است. اما در نمونه (۴۰) پی‌بست ضمیری خود تنها از یک واکه افراشته پیشین تشکیل شده و این عامل منجر به این گردیده که بین این پی‌بست و پسوند پس از آن یک غلت [j] (که اساساً صورت غیرهجایی^۲ واکه /i/ است) درج شود. وجود این غلت

^۱ نوع همخوان درج‌شده در این مقاله مورد توجه نیست. آنچه که مهم است این است که حرکت در مورد پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد رخ می‌دهد اما در مورد پی‌بست سوم شخص جمع خیر.

^۲ nonsyllabic.

پس از آن و واکهٔ افراشتهٔ پیشین [i] پیش از آن عملاً تولید آن را غیرممکن می‌سازد. دلیل دوم را شاید بتوان به ماهیت اصل سنگینی^۱ (هاوکینز ۱۹۸۰، به نقل از کرافت ۲۰۰۳: ۷۰) مرتبط دانست. اگرچه هاوکینز در مقالهٔ خود، توجه را به طبقات دستوری معطوف می‌کند، اما معتقد است که سنگینی هجایی یکی از عواملی است که مانع از حرکت عناصر از جایگاه همیشگی خود می‌شود (همان). پی‌بست ضمیری سوم شخص جمع از پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد سنگین‌تر است، چرا که از نظر تعداد هجا از آن بیشتر است و شاید این خود یکی از عواملی باشد که حرکت از جایگاه معمول خود را نپسندد.

پس از روشن‌تر شدن ماهیت حرکت تکواژ در این نمونه‌ها، گام بعدی نوشتن قاعدهٔ حرکت تکواژ است. برای قاعده‌نویسی این فرایند ابتدا باید ترتیب معمول در تکواژهای ساختمان فعل را شماره‌بندی کرد. برای شماره‌بندی کردن نیازی نیست که همهٔ تکواژهای ساختمان فعل مد نظر قرار گیرد. آنچه که در اینجا مهم است این است که جای پی‌بست ضمیری با پسوند فعلی عوض می‌شود. ماهیت خود ریشهٔ فعل در این ترتیب اهمیت ندارد. فرایند جابجایی هنگامی رخ می‌دهد که پسوند گذشته‌ساز /-I:/ بوده و تکواژهای پس از آن به ترتیب زیر باشند. به همین دلیل در این جا تنها تکواژهایی شماره‌گذاری می‌شوند که در تغییر ترتیب دخیل هستند، یعنی تکواژهای پس از ریشهٔ فعل. ریشه و پسوند گذشته‌ساز /-i/ با هم ستاک گذشتهٔ فعل را می‌سازند. اگر از این پسوند گذشته‌ساز نیز استفاده نشود، ولی ستاک گذشته، خود، به واکهٔ /i/ ختم شود، بازهم شرایط آوایی حرکت پی‌بست سوم شخص مفرد مهیا خواهد بود.

$$\text{rیشه} + \text{W/} \quad \text{+ /-O} \quad \text{+ /-I:/} \quad \text{+ } \emptyset \quad \text{+ /-i/} \quad \text{+ ریشه} \quad (51)$$

پس پی ش گ
۴ ۳ ۲ ۱

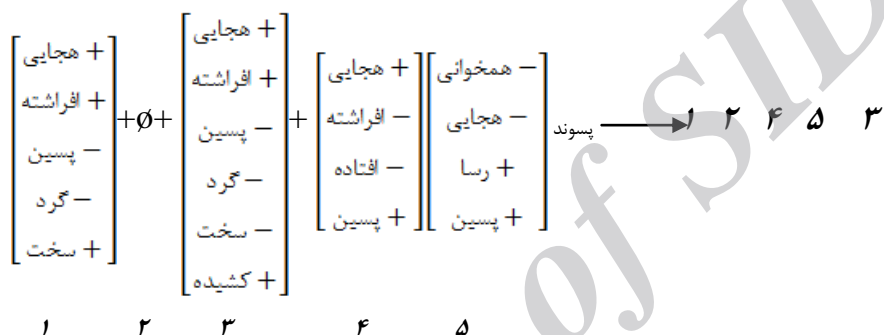
دلیل ذکر نکردن، غلت میانجی این است که این صورت، هرگاه که نیاز باشد، در سطح آوایی ظهور پیدا می‌کند، و اصولاً جزو ساختمان فعل نیست.

این فرایند، که می‌توان آن را فرایند گشتار یا جابجایی نام نهاد، باعث تغییر جایگاه ۳ می‌شود و آن را به جایگاه پس از ۴ و ۵ می‌کشاند، با فرض اینکه ۳ پی‌بست ضمیری

^۱ heaviness principle

سوم شخص مفرد، و ۴ و ۵ پسوند فعلی را تشکیل دهند؛ در بافتی که ۲ پسوند سوم شخص مفرد، یعنی صفر، بوده و ۱ واکه /i/ باشد. این فرایند حرکت در زیر مشخص شده است. اگرچه در میان آثار محققانی چون کنستویچ (۱۹۹۴)، گاسنهاون و یاکوبز (۱۹۹۸)، ینسن (۲۰۰۴) و اودن (۲۰۰۵) در طبقه‌بندی مشخصه‌های ممیز اختلاف اندکی دیده می‌شود، اما نگارندگان در این مقاله طبقه‌بندی اودن (۲۰۰۵) را مد نظر داشته است.

(۵۲) قاعده حرکت پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد به جایگاه پس از پسوند فعلی



پیش از پایان بحث، ضروری است که به یک نکته اشاره شود و آن این است که پس از اینکه ترتیب جدید به واسطه شرایط آوایی خاصی به وجود آمد، ساخت‌هایی که شناسه‌های دیگر در آن حضور دارند هم، به قیاس با ساخت سوم شخص مفرد، این توانایی را به دست آوردند که پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد را به جایگاه پس از پسوند حرکت دهند. به عبارت دیگر، علاوه بر ترتیب پیش‌فرضی که پیش‌تر به آن اشاره شد، صورت‌های زیر نیز صحیح هستند.

sdz -i -m -ow -I: (۵۴) sdz -i -m -ow -I: (۵۳)

پی‌س م پس ش ام گ ساختن پی‌س م پس ش ام گ ساختن
بازسازی‌اش کردم. بازسازی‌اش کردم.

sdz -i -n -ow -I: (۵۶) sdz -i -d -ow -I: (۵۵)

پی‌س م پس ش د ج گ ساختن پی‌س م پس ش دم گ ساختن
بازسازی‌اش کردید. بازسازی‌اش کردی.

sdz -i -n -ow -I: (۵۸) sdz -i -j -ow -I: (۵۷)

پی‌س م پس ش س ج گ ساختن پی‌س م پس می ش س م گ ساختن
بازسازی‌اش کردند. بازسازی‌اش کرد.

همان‌طور که گفته شد، قرار گرفتن پی‌بست ضمیری پس از پسوند فعلی، تنها به پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد محدود می‌شود و سایر پی‌بست‌های ضمیری کماکان در جایگاه اصلی خود، یعنی پیش از پسوند قرار داشته و حرکت آن‌ها به پایان واژه به صورت غیردستوری می‌انجامد. به علاوه اگرچه از مثال‌های بالا مشخص می‌شود که در ساخت‌هایی که پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد به کار رفته، پی‌بست می‌تواند پیش یا پس از پسوند ظاهر شود، ولی در مورد ساختی که در آن شناسه، سوم شخص مفرد، یعنی صفر است، پی‌بست ضمیری /-I:/ فقط باید در آخر واژه بیاید، و حضور آن پیش از پسوند به صورت غیردستوری خواهد انجامید.

۵- نتیجه

در بخش‌های پیشین ضمن معرفی افعال پسوندی و ساختمان آن، جایگاه معمول پی‌بست‌های ضمیری مشخص شد. در ترتیب معمول، پی‌بست پیش از پسوند فعلی ظاهر می‌شود، اما هنگامی که در ساختمان فعل پسوندی از پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد به کار می‌رود، علاوه بر ترتیب معمول، ترتیب جدیدی که طی آن پی‌بست به جایگاه پس از پسوند انتقال می‌یابد، نیز قابل قبول است. بنا بر فرض نگارندگان، مبنی بر یافتن ساختی که در آن تنها ترتیب جدید (پی‌بست پس از پسوند) قابل قبول است، شرایطی معرفی شد که با فرضیه سازگاری داشت و نمونه‌ها آن را تایید می‌کرد. با مطالعه ساختمان افعال پسوندی که ستاک آن‌ها به [i] ختم می‌شود منشأ تغییر پیدا شد. در صیغه سوم شخص مفرد این افعال و به همراه پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد، صورتی پدید می‌آمد که به علت التقای چند واکه، نظام آوایی کردی کلهری آن را نمی‌پذیرد. اگرچه مطالعه دقیق‌تر چرایی این موضوع را شاید بتوان بهتر در نظریه محدودیت بنیادی همچون نظریه بهینگی به انجام رساند، اما راه‌حل‌های مختلفی برای حل این مشکل بیان شد که به جز حرکت تکواژ، هیچ‌یک مناسب نمی‌آمد. البته درج غلت، و سبکی (تک هجا و یک واکه‌ای بودن) پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد /-I:/ نیز در حرکت آن از جای معمول خود به انتهای واژه موثر می‌نمود. پس از پیدایش این ترتیب جدید، افعال پسوندی دیگری (با شخص و شمار دیگر) نیز که در ساختمان خود پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد را به کار می‌بردند، به قیاس، ترتیب جدید را نیز

پذیرفتند، اما این ترتیب تنها به پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد مربوط می‌شد و حرکت سایر پی‌بست‌ها به جایگاه پس از پسوند فعلی مجاز نیست.

منابع

- اسفندیاری، مرتضی (۱۳۷۴). توصیف ساختمان فعل در گویش کردی کلیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- سلیمانی مقدم، سیفعلی (۱۳۷۹). بررسی و توصیف گویش کردی کرمانشاهی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شیرزادی تبار، بهرام (۱۳۷۵). گویش کردی کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- فتاحی، مهدی (۱۳۹۱). غلت‌سازی واکه به عنوان راهکاری برای رفع التقای واکه‌ها، بررسی نمونه‌ای در کردی کلهری، مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران (جلد دوم)، صص ۶۱۶-۶۳۰. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه (۱۳۸۸)، واج‌شناسی، رویکردهای قاعده‌بنیاد، تهران، سمت.
- مافی، کامران (۱۳۷۴). بررسی ساخت‌واژه و دستگاه فعل در گویش کردی طایفه مافی منطقه قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدی، محمد (۱۳۸۶). بررسی کردی کرمانشاهی و مقایسه‌ی آن با کردی سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرادی، علی محمد (۱۳۷۹). تصریف و اشتقاقی واژه در گویش کردی کلهری براساس صرف زایشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- Boskovic, Z. 2002. "On multiple *wh*-fronting", *Linguistic Inquiry*, 33, 351-383.
- Croft, William. 2003. *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press
- Gheytori, Amer. 1992. *Verbal Categories in Ilami Kurdish*. Unpublished M.A. Thesis. Allameh Tabatabaee University.
- Gussenhoven, C and H, Jacobs. 1998. *Understanding Phonology*. London: Hodder Arnold
- Hassanpour, Amir. 1989. *The Language Factor in National Development: The Standardization of the Kurdish Language*. PhD dissertation. University of Illinois at Urbana-Champaign
- Hawkins, John A. 1980. On implicational and distributional universals of word order. *Journal of Linguistics* 16:193-235.

- Hornstein, N. et al. 2004. *Understanding Minimalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Izadi, Mehrdad. 1992. *The Kurds: A Concise Handbook*. Washington, DC: Crane Russak.
- Jensen, J. T. 1990. *Morphology: Word Structure in Generative Grammar*. Philadelphia: John Benjamins
- Jensen, J. T. 2004. *Principles of Generative Phonology: An Introduction*. Philadelphia: John Benjamins Publications.
- Kamandar Fattah, I. 2000. *Les Dialectes kurdes méridionaux: étude linguistique et dialectologique*. Louvain, Peeters, p. 55-62.
- Kenstowicz, Michael. 1994. *Phonology in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- MacKenzie, D. N. 1962. *Kurdish Dialect Studies*. Oxford: Oxford University Press.
- McCarus, E. N. 1958. *A Kurdish Grammar: Descriptive Analysis of The Kurdish of Sulaimaniya*. New York: American Council of Learned Societies.
- Merrifield, W.R., C.M. Naish, C.R. Rensch, & G. Story. 1967. *Laboratory manual for morphology and syntax*. Santa Ana, California: Summer Institute of Linguistics.
- Nebez, Jamal. 1976. *Toward a Unified Kurdish Language*. West Germany: National Union of Kurdish Students in Europe.
- Odden, David. 2005. *Introducing Phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Spence, Andrew. 2000. *Morphological Theory*, Oxford: Blackwell Publishers Inc.